

مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی

دکتر محمدرضا رضوانی*

علی احمدی**

چکیده

شناخت و درک مفهوم مکان و فضا در بسیاری از حوزه‌های علمی کاربرد دارد. فضا و مکان بستری برای فعالیت‌های انسانی تلقی می‌شود. بنابراین، بررسی ماهیت فضا و مکان و تعامل آن با فرهنگ ضروری است، چرا که غفلت از این موضوع مانع شناخت جامع مکان و فرهنگ خواهد بود. هدف تحقیق حاضر بررسی نقش فرهنگ در مکان‌ها و شکل‌گیری هویت مکانی با روش اسنادی است که از منابع متعدد استفاده شده است.

استفاده انسان از مکان برای بیان احساس مکانی یا هویت‌پذیری در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی، و جهانی مؤثر است، انسان با فرهنگ خود در شکل‌پذیری و نقش‌یابی مکان‌ها تأثیرگذار است. فرهنگ‌های گوناگون مکان‌های خاص خود را می‌سازند و کارکردهایی متناسب به آن می‌بخشند. ویژگی‌های فرهنگی جامعه همچون روحی در کالبد مکان نفوذ می‌کند، در آن تجلی می‌یابد و خود را در بستر مکانی و فضایی نمایان می‌سازد. معماری، شیوه‌های کشت و زرع، نوع و شکل سکونتگاه‌های انسانی، و ساخت راه‌ها از جمله پدیده‌هایی انسانی متأثر از فرهنگ است که به مثابه چشم‌اندازهای فرهنگی مطالعه می‌شوند.

کلید واژه‌ها

مکان، فرهنگ، هویت مکانی، چشم‌انداز فرهنگی، جریان مکانی و فرهنگ.

* عضو هیئت علمی گروه جغرافیای انسانی دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تهران

مقدمه

موضوعات مکان و فرهنگ را می‌توان در چارچوب مسائل جغرافیای انسانی و اجتماعی بررسی کرد. در سال‌های اخیر یکی از موضوعاتی که در حوزه جغرافیای انسانی توسعه یافته است، افزایش تبادلات علمی در حوزه «مکان و فضا» میان جغرافی‌دانان، جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان، و فیلسوفان اجتماعی است.

مطالعات مکان و فضا را می‌توان در آثار علمی گیدنز، فوکو، بوردیو، لوفور، هاروی، گریگوری، سوچا، و دیگران مشاهده کرد. این مطالعات در حال گسترش موضوعات تجربی و نظری جدیدی را به وجود آورده است. بنابراین، مطالعات و ملاحظات مربوط به فضا و مکان به حوزه جغرافیا محدود نمی‌شود و اندیشمندان سایر حوزه‌های علمی نیز به آن پرداخته‌اند.

در گذشته، بسیاری از جغرافی‌دانان هدف و موضوع اصلی جغرافیا را مطالعه مکان و فضا می‌دانستند، ولی امروزه بسیاری به اهمیت فضا و مکان در فرایندهای اجتماعی توجه و آن را تجزیه و تحلیل می‌کنند. مطالعات مکان و فرهنگ نیز یکی از موضوعات جدید در چارچوب جغرافیای انسانی است. در این مقاله پس از بررسی مفهوم مکان، به ردیابی فرهنگ در مکان و تعامل فرهنگ و مکان پرداخته می‌شود و سپس ارزش فرهنگی مکان، جریان مکانی، فرهنگ و در نهایت ابعاد مکانی فرهنگ بررسی می‌شود.

مبانی نظری

مفهوم و ماهیت مکان و فضا از دیدگاه‌های گوناگون بررسی شدنی است. در حوزه فلسفه، هندسه، ریاضیات، معماری، و علوم اجتماعی مفهوم مکان و فضا از راه‌های خاصی درک شدنی و شناختنی است. مطالعات تعامل فرهنگ و مکان در تحقیقات علوم انسانی کمتر به چشم می‌خورد. در همین تحقیقات اندک نیز تعاریف ارائه شده بر اساس ماهیت رشته دانشگاهی، چارچوب‌های فکری، ساختارهای فرهنگی و اجتماعی و نیز اهداف محققان حوزه‌های

علمی متفاوت است (O'Toole, P& Were, P, 2008: 617).

اغلب در مطالعات جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، اقتصاد و یا روان‌شناسی مفهوم مکان و فضا به کار گرفته می‌شود. بررسی‌ها و مطالعات مربوط به یک کشور، ناحیه، شهر، حومه شهری، واحد همسایگی یا محیط‌های کاری و زندگی از آن جمله است. در برخی مطالعات از مکان و فضا به مثابه مفاهیمی برای طبقه‌بندی‌های بزرگ‌مقیاس مانند کشورهای درحال توسعه، ساحلی، روستایی یا شهری، جنوب شرق، و جنگلی استفاده می‌شود. درحالی که در مطالعات دیگر ممکن است برای طبقه‌بندی‌های کوچک‌مقیاس مثل اماکن درمانی، مدارس، کارخانجات، و منازل مسکونی استفاده شود. به هر حال، همه رشته‌های علوم اجتماعی به نحوی درگیر مفهوم فضا و مکان هستند، هرچند اغلب این موضوع به روشنی دیده نمی‌شود (Given, 2008: 626).

در ارتباطات انسانی علاوه بر اینکه سطوح اساسی درون‌فردی، میان‌فردی، گروهی، میان‌فرهنگی، بین‌المللی، و جمعی مورد نظر است، بُعد مکانی نیز به عنوان بُعد دوم در نظر گرفته می‌شود. این بُعد در چهار سطح یا حوزه ظاهر می‌شود که عبارتند از: محلی¹، منطقه‌ای² یا ناحیه‌ای، ملی³، و بین‌المللی⁴ (Rosengren, 2000: 170-171).

مفاهیم «مکان»، «احساس مکانی» و «بی‌مکانی» از مفاهیم اصلی‌ای هستند که جغرافی‌دانان اولیه، نظیر یی - فو توآن و ادوارد رلف، در حوزه جغرافیای انسانی مطالعه کردند. آن‌ها سعی کردند تا از راه روابط مردم با جهان خارج این مفاهیم را درک کنند. آن‌ها معتقدند که اندیشه فلسفی مردم با چگونگی شناخت، درک و واکنش آن‌ها نسبت به محیطشان مرتبط است (فلسفه‌هایی مثل اگزیستانسیالیسم و پدیدارشناختی برداشت خاصی از مکان دارند (Baldwin, 1999: 140- 141).

1. Local.

2. Regional.

3. National.

4. International.

جغرافیای فرهنگی یکی از شاخه‌های سیستماتیک و نظام‌مند از جغرافیای انسانی است که به تفاوت‌ها و تغییرات فضایی زبان، نظام‌های اقتصادی، شکل‌های حکومتی، رابطه‌ها، ادراک‌ها، دریافت‌های محیطی، و سایر موارد مربوط به مؤلفه‌های فرهنگی می‌پردازد. جغرافیای فرهنگی دانشی ترکیبی است که از مطالعات و دیدگاه‌های دو حوزه فرهنگ و محیط طبیعی استفاده می‌کند. جغرافی دانان فرهنگی معتقدند که کلیت و صورت فرهنگ نمی‌تواند بدون مراجعه به محیطی که در آن شکل گرفته‌اند، کامل درک شود. جغرافی دانان فرهنگی تجزیه و تحلیل‌های زمینی همچون مطالعات آب‌وهوا، گیاهان، خاک، زندگی حیوانی را در مطالعات خود وارد می‌کنند، زیرا این عوامل روی فرهنگ اثر می‌گذارد و به تشریح الگوهای فرهنگی کمک می‌کند (Pitzl, 2004: 43).

کارل ساور، از بنیادگذاران جغرافیای فرهنگی، مطالعاتی درباره ارتباط مابین سرزمین¹ (مکان) و زندگی² انجام داد. مطالعات وی بیانگر شکل‌گیری مکان‌های گوناگون از راه فرهنگ‌های متفاوت است. به عبارت دیگر، فرهنگ‌های متفاوت نظام‌های متفاوت کشاورزی، سکونتگاهی، حمل‌ونقل، و ... را می‌سازند (Baldwin, 1999: 134).

مسی³ (1994) و سایر جغرافی دانان فرهنگی بارها نشان داده‌اند که فضا تحت تأثیر پیامدها و اثرات سیاسی و فرهنگی قرار دارد. فضا از عوامل مجاورت و فاصله متأثر می‌شود که این امر می‌تواند بر ارتباطات و درک فرهنگی و یا نبود آن اثرگذار باشد (O'Toole & Were, P, 2008: 617).

وان مانن و بارلی (1985) معتقدند که قلمرو فیزیکی و مادی گروه‌ها و محیط مادی، کاتالیزور اولیه برای شکل‌گیری گروه‌های فرهنگی است. پروشانسکی و دیگران (1995) مشاهده کردند که «هویت مکانی» گروه، به مثابه عامل پیوند هویت‌های مکانی متعلق به افراد، از راه تجربیات آن‌ها درک شدنی است (Ibid: 618).

به هر حال، انسان با فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی خود آثاری را در مکان

1. Land
2. Life
3. Massey

مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی ■ ۴۹

برجای می‌گذارد و مکان‌ها نیز در فرهنگ انسان تأثیر دارند. به عبارتی دیگر، با ورود انسان در مکان تغییراتی متناسب با افکار و عقاید در قالب فرهنگ او صورت می‌پذیرد و چشم‌اندازهای فرهنگی متفاوتی با سایر مکان‌ها می‌آفریند.

مفهوم مکان

در این نوشتار مقصود از مکان جایی است با مشخصات فیزیکی و مادی که محدوده و مرز آن از راه احساسات ناظر و بیننده تعیین می‌شود. مقصود از «مکان»^۱ جای خاصی است در سطح زمین که محدود به موقعیتی است با هویت و شناسایی‌شدنی که ارزش‌های ویژه و معینی با خود دارد (هاگت، ۱۳۷۳: ۱۶). مکان واحدی از فضا است: یک شهر، یک استان، و یک کشور. گاهی هم مکان به بخش خاصی از فضا که انسان اشغال کرده گفته می‌شود، نظیر مکان سکونتی یا مکان گذران اوقات فراغت (شکویی، ۱۳۷۵: ۲۷۵). بر اساس دیدگاه گیرین مکان می‌تواند اتاق، ساختمان، روستا، شهر، شهرستان، حومه، ناحیه کلان شهر، استان، منطقه، کشور، قاره، سیاره زمین، جنگل، کنار دریا، و قلعه کوه باشد. بدین ترتیب، مکان عبارت است از پیوند اشیا و فضا در درون محدوده و مرزی مشخص که بر اساس آن‌ها تفاسیر و ارزش‌هایی را به خود می‌گیرد (O'Toole & Were, 2008: 618).

مکان جغرافیایی^۲ دو ویژگی طبیعی^۳ و فرهنگی^۴ دارد. مراد از خصلت طبیعی ظرفیت‌ها و ذخایر مادی محیط طبیعی است مثل: آب و هوا، منابع آب و خاک، گیاهان، کوه‌ها. مقصود از ویژگی فرهنگی مکان نیز خصیصه‌هایی است که متأثر از انسان و فعالیت‌های اوست: سطح فناوری، نوع فعالیت‌های اقتصادی، و سازمان‌های اجتماعی جمعی انسانی. هر مکان خاص خصیصه‌هایی دارد که با آن از سایر مکان‌ها متمایز و هویت‌پذیر می‌شود. داشتن صفت مشخص با عقاید و باورهای اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، و فرهنگی می‌تواند

-
1. place
 2. Geographical Space.
 3. Natural Character.
 4. Cultural Character.

۵۰ ■ نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم، شماره ششم

تمایز را برجسته سازد. ماهیت مکان نه تنها از محل استقرار، کارکردهای ضعیف، اشغال آن به وسیله جامعه، و تجربیات مادی انسان‌ها منشأ می‌گیرد، بلکه همه این عوامل ضرورتاً چهره و ماهیت مکان را شکل می‌دهند (شکویی، 1375: 274-275).

بنابراین، مکان موضعی است از سطح زمین که انسان تغییراتی در آن به وجود آورده و در نتیجه خصیصه فرهنگی به خود گرفته است. خصیصه‌های فرهنگی شامل بخش گسترده‌ای از مظاهر و پدیده‌های مکانی همچون شهرها، مسکن‌ها، روستاها، مزارع، راه‌ها است که در ارتباط با فرهنگ تحول و تکامل یافته‌اند. می‌توان گفت عواملی نظیر اقلیم، فرهنگ، اقتصاد، و سیاست‌های حاکم بر جامعه در ساخت ویژگی‌های مکانی مؤثرند.

مفهوم فضا

مفهوم فضا¹ از مفاهیم کلیدی در جغرافیا است. فضا در این علم، حوزه یا ناحیه‌ای بزرگ² است و معمولاً بر حسب سطح زمین نشان داده می‌شود (هاگت، 1373: 16). «فضا» عبارت است از نظم و آرایش فضایی درونی و برونی که دنیای اطراف ما را می‌سازد. «فضا» شامل کیفیت و کمیت فضای اطراف و روابط هندسی مثل فاصله و مجاورت است (O'Toole & Were, 2008: 617).

فضا مفهومی بدیهی نیست. این مفهوم به مراتب گسترده‌تر از تعریف ساده فضای فیزیکی یا طبیعی که به طور ضمنی مطرح می‌شود و به ابعاد سه‌گانه جهان بیرونی یعنی تواترها، جدایی‌ها، و فاصله‌های میان افراد، میان افراد و اشیا و میان اشیا اطلاق می‌شود... نخستین و پایه‌ای‌ترین تمایز را باید میان فضای انسانی³ و فضای غیرانسانی⁴ (که گونه‌ای از آن نیز فضای ماشینی⁵ است) قائل شد (فکوهی، 1383: 303).

1. Space
2. Area
3. Human Space
4. Non-Human Space
5. Machine Space

مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی ■ ۵۱

مفهوم فضا (فضای سطح زمین) از مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین مفاهیم در رویکرد انسان‌شناختی به‌شمار می‌آید، زیرا در فضا نوعی جامعیت فرهنگی مشاهده می‌شود. فضا به‌گونه‌ای حیرت‌انگیز و با سازوکارهایی که گاه کشف چندوچون آن‌ها برای ما ناممکن می‌نماید، تمامی ابعاد زندگی انسانی را در خود جای می‌دهد و منتقل می‌کند. از این رو، یکی از مؤثرترین راه‌های تحلیل فرهنگ‌های انسانی تحلیل فضا است که می‌تواند در نزد انسان‌شناسانی چون ادوارد هال از تحلیل فضاهای کالبدی و شخصی آغاز شود و تا بزرگ‌ترین ابعاد فضایی در شهر تداوم یابد (فکوهی، 1383: 33-32).

مکان و فضای جغرافیایی ارتباط محوری با زندگی انسانی دارد و بستری برای فعالیت‌های انسانی است. مفهوم مکان نه تنها در محیط طبیعی بلکه مهم‌تر از آن، در محیطی انسانی جستجو می‌شود که بخش جدایی‌ناپذیر بلکه آمیخته محیط‌های انسانی است. به دلیل آمیختگی مکان با زندگی انسانی است که اندیشمندان علوم انسانی به‌ویژه علوم اجتماعی به آن توجه کرده‌اند. تحقیقات مربوط به مباحث مکان و فضا در حوزه‌های مردم‌شناختی، انسان‌شناسی فرهنگی، شهرسازی، ارتباطات انسانی، و جغرافیای فرهنگی که در سال‌های اخیر به آن توجه شده است، حاکی از اهمیت این مفهوم در حوزه‌های علمی دارد. ادوارد هال و پیر بوردیو در این زمینه آثاری دارند.

انسان‌ها در سرزمین‌های متنوعی که با تمایزات مکانی مشخص می‌شوند، زندگی می‌کنند. این تفاوت‌های مکانی پیامد تفاوت‌های طبیعی و تفاوت‌های ارزش‌های فرهنگی مردم نواحی گوناگون سطح زمین است. مکان‌هایی که ذیل مفهوم «زیست‌بوم» که محل و مکان زندگی انسان‌هاست تعریف می‌شود. زیست‌بوم‌ها زندگی انسانی و فرهنگی خاصی دارند که در آن الگوهای کشاورزی، الگوهای حمل‌ونقل، و الگوهای سکونتگاهی گوناگونی شکل گرفته است. شناخت چنین الگوهای فضایی، چگونگی شکل‌گیری آن‌ها و تفاوت‌ها و شباهت‌های فضای انسانی از اولویت‌های جغرافیای انسانی است. بنابراین، تفاوت‌های مکانی و فضایی، نه در قالب فضای فلسفی و انتزاعی و یا فضای خارج از سطح زمین، بلکه در چارچوب

حوزه یا ناحیه‌ای وسیع در سطح زمین مطالعه و بررسی می‌شود که هم محل قرارگیری پدیده‌ها است و هم ابعاد، موقعیت و جهت نسبی دارد.

ردیابی فرهنگ در مکان

اصطلاح فرهنگ یا واژه کولتور در زبان کلاسیک و شاید زبان پیش از کلاسیک لاتین ریشه دارد که به معنای کشت و کار یا پرورش بوده است. واژه کولتور در اصطلاحات کشاورزی، باغداری، پرورش زنبور و ... به کار می‌رفت (حاضری و مهرآین، 1381: 94 - 93). این امر نشان می‌دهد که در ابتدا فرهنگ آمیخته به مکان و فضا تلقی می‌شد و انسان با ساخت آثار انسانی در زمین، فرهنگ خود را به نمایش می‌گذاشت.

انسان‌ها بازیگران هوشمند و توانایی هستند که در زندگی اجتماعی، تولید فضا و مکان را به عهده دارند و با تفکرات سیاسی و اجتماعی خود در برابر محیط ظاهر می‌شوند (شکویی، 1375: 110) و مکان‌هایی را بر مبنای فرهنگ خلق می‌کنند. انسان با فرهنگ خویش به محیط طبیعی یا مکان، روح و جان می‌بخشد. به طوری که «انسان منابع طبیعی سیاره زمین را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد تا در برابر سیاره فیزیکی یک سیاره فرهنگی خلق کند» (شکویی، 1371: 30 - 29).

از موضوعات بررسی‌شدنی در ارتباط با ردیابی فرهنگ در مکان‌ها، چشم‌اندازهای فرهنگی است که حاصل تصمیمات انسانی در مکان‌هاست. در واقع چشم‌انداز فرهنگی، چشم‌اندازی مصنوعی است که گروه‌های فرهنگی در زمان سکونت خود در سطح زمین می‌سازند. فرهنگ‌ها با استفاده از داده‌های اولیه محیط طبیعی، چشم‌اندازهای خود را شکل می‌دهند. هر منطقه مسکونی چشم‌اندازی فرهنگی ملهم از چشم‌انداز طبیعی دارد. چشم‌اندازهای فرهنگی منعکس‌کننده فرهنگ حاکم بر آن‌هاست. در واقع چشم‌انداز آینه است. چشم‌انداز فرهنگی در زمان و مکان دائم در حال تغییر است. بیشتر مطالعات جغرافیایی بر سه وجه اصلی چشم‌انداز یعنی الگوهای سکونتگاهی، الگوهای تقسیم زمین، و معماری تأکید دارند

(جردن و راونتری، 1380: 40 - 39).

می‌توان گفت که مکان تحت‌تأثیر فرهنگ و اجزا و عناصر آن مثل اعتقادات دینی، هنر، فناوری، ارزش‌ها، سیاست و اقتصاد ساخته می‌شود. اینکه انسان خانه را از چه مصالحی بسازد، در قسمت‌های گوناگون آن چه نمادهایی به کار ببرد، اعتقادات و ارزش‌های خود را چگونه در کالبد و فضای درون آن به کار گیرد و از چه هنرهایی برای تزئین فضای داخلی یا بیرونی آن استفاده کند، نمونه‌ای از اثر فرهنگ بر مکان و بستر زندگی است. این آثار برگرفته از فرهنگ جامعه متناسب با زمان و ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و متأثر از بسترهای جغرافیایی شکل می‌گیرد و با تغییر فرهنگ و شرایط اجتماعی، مشخصات و ویژگی‌های مکانی نیز تغییر می‌کند. به همین دلیل می‌توان انتظار داشت که در دوره‌های گوناگون تاریخی، مکان‌های متفاوتی متناسب با ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی حاکم ساخته شود.

تحلیلگران اقتصادی معاصر سه شکل گسترده سرمایه را مطرح می‌کنند: نخست سرمایه فیزیکی (مادی) یعنی موجودی کالاهای واقعی مثل گیاهان، دستگاه‌ها و بناها؛ دوم سرمایه انسانی که تجسم مهارت‌ها و تجربه در افراد است؛ و نوع سوم سرمایه طبیعی یعنی موجودی منابع تجدیدشدنی و تجدیدنشدنی که طبیعت فراهم می‌کند. سرمایه فرهنگی می‌تواند جایگاه چهارمی را به دست آورد که آشکارا متمایز از سه نوع دیگر است.

سرمایه فرهنگی می‌تواند ملموس باشد، مانند بناها، محل‌ها، مکان‌ها، مناطق، آثار هنری مثل نقاشی‌ها و مجسمه‌ها، مصنوعات. یا ناملموس باشد، یعنی سرمایه معنوی به شکل ایده‌ها، اعمال، عقاید و ارزش‌هایی که در گروه مشترک هستند (تراسی، 1382: 70 - 69).

در واقع سرمایه مادی در قالب فرهنگ مادی عبارت است از اشیا مادی و ملموس که انسان ساخته باشد. فرگوسن (1977) فرهنگ مادی را شامل همه اشیا و آثار به‌جای مانده از انسان توصیف کرده است. طبق نظر فرگوسن همه آثار به‌جا مانده از انسان از محیط طبیعی ساخته شده است، مانند ابزار کشاورزی، سفال‌ها، خانه‌ها، وسایل و اسباب زندگی، وسایل

سرگرمی و بازی، جاده‌ها و شهرها. فرهنگ مادی را می‌توان اشیایی قلمداد کرد که در زندگی انسان استفاده می‌شوند یا آشکار و ملموس دیده می‌شوند (O'Toole & Were, 2008: 617). انسان با فرهنگ مادی به مثابه بخشی متعارف و معمول از زندگی روزمره، واکنش نشان می‌دهد و در تعامل با آن است. به دلیل آثار متقابل و تعامل، فرهنگ مادی و زندگی انسانی قویاً از یکدیگر تأثیرپذیرند و مطالعه و بررسی‌های فرهنگ مادی سرنخ‌های مهمی در شناخت بهتر زندگی گذشته انسان و شیوه‌های زندگی او به ما می‌نمایاند (Ibid: 617).

اشلرت (1982) اهمیت مطالعه فرهنگ مادی را مطرح کرد و نشان داد که از راه فرهنگ مادی می‌توان در زمینه نظام‌های اعتقادی، ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و پندارهای یک اجتماع یا جامعه خاص در طی زمان آگاهی یافت (Ibid).

به هر حال، فرهنگ از ابعاد مهم زندگی است که در شکل‌دهی محیط زندگی انسانی که در قالب مکان و فضا می‌گنجد، نقش سازنده‌ای دارد.

تعامل مکان و فرهنگ

برای درک تعامل فرهنگ و مکان باید به فعالیت‌های انسان در مکان و فضا توجه کرد. انسان برای تأمین نیازهای خود از منابع و امکاناتی که در طبیعت یافت می‌شود، بهره‌برداری می‌کند. نوع بهره‌برداری انسان و چگونگی فعالیت‌های او در طبیعت تحت تأثیر فرهنگ است. ارتباط انسان با مکان در قالب سیستم انسان و محیط بررسی می‌شود. سه نوع سیستم انسان و محیط را به هم پیوند می‌زند:

1. سیستم انسانی (روابط انسان با انسان)،
2. سیستم محیطی (روابط محیط با محیط)،
3. سیستم انسان - محیط (روابط انسان با محیط) (هاگت، 1373: 32).

بر این اساس در دیدگاه اکولوژیک یا روابط انسان و محیط به سؤالاتی نظیر: تأثیر محیط بر انسان چیست؟ اثر فعالیت‌های انسانی بر محیط چگونه است؟ و چگونگی و ماهیت

تغییرات محیط انسان پاسخ داده می‌شود.

انسان‌ها در دوران اولیه کاملاً در احاطه محیط طبیعی یا طبیعت شامل عناصری از قبیل آب و هوا، زمین، پوشش گیاهی، و خاک قرار داشتند. با پیدایی تمدن، مردم خود را در مصنوعات محصور کردند که به علت گذشت زمان و دیرپایی جزء لاینفک محیط شد. از نظر انسان شهرنشین محیط طبیعی جابه‌جا شده و یا تغییر بنیادی یافته است (همان: 29). در این دوره انسان به محیط وابسته است و تلاش او برای سازگاری با محیط است. با گذشت زمان انسان به فناوری و فرهنگ پیشرفته بهره‌برداری از محیط رسید. با شکل‌گیری نیازهای جدید در دوره‌های زمانی و مکانی، نوع دیدگاه انسان نیز در بهره‌برداری از مکان تغییر کرد. انسان با کسب تجربه و افزایش آموخته‌های خود در قالب فرهنگ، بیشترین منافع را کسب کرد. با تنوع نیازهای انسان و افزایش حس سودجویی، چه بسا جوامعی موفق عمل می‌کنند که فرهنگ و علم و فناوری قوی داشته باشند. فرهنگ پیشرفته فناوری‌های جدید تولید می‌کند و قدرت جامعه را دوچندان می‌کند. انتظار می‌رود فرهنگ پیشرفته برای کسب منافع خود (مثل سیاست‌های استعماری قرن نوزدهم) مکان‌های فرهنگی را غارت کند. نتیجه اینکه فرهنگ پیشرفته مکان را به خدمت می‌گیرد و به آن نقش تازه‌ای می‌بخشد. به عبارتی دیگر، فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی، و اجتماعی انسان به مکان نقش و کارکردی ویژه همراه با شخصیت و اعتبار می‌بخشد. مکان با ارزش‌های انسانی هویت می‌یابد و به عبارتی «مکان را فرهنگ انسانی می‌سازد» (شکویی، 1375: 299، 326).

انسان از گذشته‌های دور ناگزیر بود در محیط‌های طبیعی و انسانی به حیات خود ادامه دهد. در این تعامل و تقابل باید مشخص شود که انسان در محیط‌زیست چه دخالت‌هایی کرده است؟ و در چه مواردی، ناگزیر، زندگی خود را با محیط هماهنگ و همساز کرده است؟ نخستین برخورد انسان با محیط از غرایز حیوانی‌اش سرچشمه می‌گرفت که او را وادار به دستیابی به آب، غذا، و مسکن کرده بود. بنابراین، روابط انسان با محیط ضامن بقای او یعنی تأمین خوراک و پوشاک و مسکن است که از شکل ساده آن در دوران اولیه شروع

شد و به تدریج، با تکامل فکری و عقلی انسان پیچیده‌تر شده است (گنجی، 1382: 8-6). نحوه زندگی انسان‌هایی که در یک مکان جغرافیایی متمرکزند، وابسته به نظامی فرهنگی است که اشتراکات و مشابهت‌های عناصر آن از علل مهم در شکل‌گیری گروه‌های فرهنگی است که در قالب «الگوهای فضایی» ساخته می‌شود. مفهوم الگوی فضایی به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های میان ناحیه‌ای با ناحیه دیگر اشاره دارد. (جردن و راوتری، 1380: 11-10، 8) این نواحی به نحوی که مردم و یا سیاست‌های حکومتی می‌خواهند ساخته می‌شود و با یکدیگر تفاوت پیدا می‌کند. بنابراین، انسان با تصمیم‌گیری خود در شکل‌دهی و بازساخت مکان‌ها مؤثر است و در بروز کارکردهای گوناگون آن نقش ایفا می‌کند.

انسان از مکان برای بیان احساس مکانی یا هویت‌پذیری خود در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی، و جهانی استفاده می‌کند. در وابستگی انسان به مکان شکی نیست. او ریشه خود را در مکان ویژه‌ای جستجو می‌کند و به مکانی تعلق پیدا می‌کند که نیازهای اساسی و امنیت او را تأمین کند. انسان همواره خود را وابسته و مربوط به مکان معینی از سیاره زمین می‌داند. «او قبیله، تیره و مردم خود را نه تنها با سنت‌ها، آداب و رسوم، و فرهنگ خویش می‌شناسد، بلکه در شناسایی‌های مکانی خود سعی دارد کوه‌ها، دره‌ها، رودها، گیاهان و حیوانات ویژه‌ای را نیز که با محیط مسکونی و فرهنگ جامعه او رابطه موزون و هماهنگ دارند دخالت دهد» (شکویی، 1371: 1). فعالیت‌های انسانی در بستر مکانی شکل می‌گیرد و مستقل از مکان نیست و هیچ فردی را مجزا و منفک از مکان نمی‌توان یافت.

انسان با فرهنگ خود در شکل‌پذیری و نقش‌یابی مکان‌ها تأثیرگذار است. فرهنگ‌های گوناگون مکان‌های خاص خود را می‌سازند و کارکردهایی متناسب به آن می‌بخشند. کارکردهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، نظامی، و نظایر آن می‌تواند مکان‌هایی خاص بیافریند. نقش‌پذیری مکان‌ها تابعی از تصمیمات انسان است و این تصمیمات متأثر از الگوهای فرهنگی اوست. بنابراین، فرهنگ از عوامل مهم افتراق مکان‌هاست. چگونگی روابط علت و معلولی پدیده‌ها اعم از طبیعی و انسانی می‌تواند زمینه‌ساز درک بهتر مکان‌ها باشد و شناخت بهتر

مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی ■ ۵۷

مسائل و مشکلات مکان‌ها را پیش از هر برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میسر می‌سازد.

در بحث تعامل مکان و فرهنگ با موارد بسیاری در زندگی روزمره روبرو هستیم. افراد برای بیان هویت فرهنگی - قومیتی خود ناگزیر به بیان مؤلفه‌های مکانی همچون محل اقامت یا تولد هستند. این مؤلفه‌ها ممکن است در سطوح ملی، منطقه‌ای، محلی یا حتی جزئی‌تر باشند. به کار بردن کلمات و جملات معین از سوی افراد نشان‌دهنده‌ی خاستگاه جغرافیایی آن‌ها در کشور است. استفاده از کلمات (معین) دو معنا می‌تواند داشته باشد: گوینده می‌تواند ناخواسته و ناآگاهانه زادگاه خود را نشان دهد و نیز می‌تواند آگاهانه و عمدانه در برابر گویش مسلط (و زبان اصلی یک کشور)، گویش منطقه‌ای خود را (از سر وفاداری به زبان منطقه زادگاه خود، یا از روی مقابله‌جویی با زبان مسلط) حفظ کند (کالوه، 1379: 132). بنابراین، مکان‌های جغرافیایی در شکل‌دهی به ملیت انسان‌ها نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند و در واقع استقرار انسان‌ها در یک سرزمین به مثابه موطن، زادگاه، و کشور، با خصوصیات فرهنگی مشابه، موجب تمایز مکانی از مکان‌های دیگر می‌شود. اما چگونه و چه پارامترهایی این وابستگی را به وجود می‌آورد، از مسائلی است که در جغرافیا می‌توان پاسخ گفت. از علل مقدماتی این وابستگی نیازهای انسان به منابع محیطی است که در بستر مکان نهفته است. وابستگی مداوم و پیوسته انسان موجب شکل‌دهی و سازماندهی مکان می‌شود؛ به طوری که مکان‌های انسانی با فعالیت‌هایی که از خصوصیات فرهنگی وی نشأت گرفته است، ساخته می‌شود.

احساس تعلق به مکان تولد و بوم در فرهنگ ایرانیان مفهومی ویژه دارد. در مقابل غربی‌ها به وابستگی مکانی کمتر علاقه و حساسیت نشان می‌دهند. در آمریکا بعضی از افراد خانه‌های متحرک¹ دارند و شرکت‌های حمل‌ونقل به نام (U-Hall) این خانه‌های متحرک را جابه‌جا می‌کنند. فرد مدتی در شهری کار می‌کند، سپس، کشنده‌ای کرایه می‌کند و خانه‌اش

1. Mobil Home

را سه هزار کیلومتر آن طرف تر می گذارد و مدتی در مکانی که هیچ گونه علایق فامیلی یا وابستگی به آن ندارد، سکونت می کند. ولی در ایران این طور نیست، هر وقت مناسبتی مثل نوروز یا روزهای شادی و عزا پیش آید، فرد ایرانی به زادگاه خود می رود و خانواده اش را می بیند. یعنی وابستگی وسیعی نسبت به محل زادگاه وجود دارد (ایروانی، 1382: 30). بسیاری از مردم ایران از شهر خود به شهر یا روستای دیگری مهاجرت کرده اند و در آن ساکن شده اند. اما در زمان هایی از سال مثل عید نوروز، برگزاری آیین های خاص محلی، و مراسم مذهبی و دینی علاقه مند به حضور در همان روستا یا شهر هستند و این پیوند مکان و فرهنگ را احساس می کنند.

از عوامل فرهنگی که سبب بروز وابستگی های مکانی میان دو قلمرو جغرافیای می شود، مشابهت های فرهنگی از قبیل زبان، دین و مذهب، قومیت، و تاریخ است. بررسی این موضوع در قالب نزدیکی و مجاورت¹ معنوی دو مکان یا زیست بوم دلایل گوناگونی دارد که یکی از آن ها مشابهت فرهنگی است. برای شناخت اینکه دو مکان انسانی تا چه اندازه به یکدیگر وابستگی دارند، می توان از میزان اشتراک مؤلفه های فرهنگی آن ها سود جست. دو مکانی که ویژگی های مشترک زبانی، قومی، مذهبی، و ... دارند به مراتب بیشتر از مکان هایی که خصیصه های مشترک ندارند، به یکدیگر وابستگی نشان می دهند. مجاورت معنوی کشور ایران با کشورهایی مانند افغانستان (اشتراکات زبانی)، تاجیکستان (اشتراکات زبانی)، و عراق (اشتراکات مذهبی) از مثال های بارز آن است. عکس این قضیه نیز صادق است که عدم تطابق و همپوشی باعث گسستگی یا به عبارتی واگرایی آن ها می شود.

ویژگی های فرهنگی جامعه همچون روحی در کالبد مکان نفوذ می کند، در آن تجلی می یابد و خود را در بستر مکانی و فضایی نمایان می سازد. معماری، شیوه های کشت و زرع، نوع و شکل سکونتگاه های انسانی، ساخت راه ها، از پدیده هایی انسانی متأثر از فرهنگ هستند. این ویژگی های فرهنگی به نوبه خود از باورها، اعتقادات، آداب و رسوم، و ارزش های هر

مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی ■ ۵۹

جامعه که وابسته به مکان و زمان هستند تأثیر می‌پذیرند. از این‌رو، فرهنگ جوامع در مقیاس‌های محلی، منطقه‌ای، و ملی به عوامل اجتماعی و سیاسی، تاریخ، دین و مذهب، و شرایط جغرافیایی بستگی دارد. به عبارتی فرهنگ از عوامل تمایز و تفاوت مکان‌ها و نواحی است. این تفاوت‌های مکانی در مقیاس‌های محلی نسبت به گستره ملی و حتی منطقه‌ای بسیار ناچیز و تقریباً ناملموس به نظر می‌رسند. برای مثال فرهنگ روستا به مثابه فرهنگ محلی، نسبت به مقیاس‌های ملی و منطقه‌ای، فرهنگ همگون با ویژگی‌های یکسان دارد.

شبهات‌ها و تفاوت‌های مکانی وابسته به فرهنگ گروه‌های انسانی در جغرافیای مکان‌هاست. لازمه درک و شناخت بهتر نواحی فرهنگی، در بُعد جهانی، منطقه‌ای یا حتی کوچک‌تر مطالعات مکانی و محلی است. در واقع هر ناحیه‌ای دارای ویژگی‌های فرهنگی منحصر به فردی است که نیاز به مطالعات علوم گوناگون از جمله علوم اجتماعی، تاریخ، جغرافیا، مردم‌شناسی، و باستان‌شناسی دارد. بخش زیادی از مطالعات با حضور در حوزه مکانی و فضایی میسر خواهد بود. در این زمینه سه عامل مؤثر است:

1. عوامل مشخص طبیعی و نمود ظاهری آن،
2. فعالیت‌های مشاهده‌پذیر و کارکردها،
3. مفاهیم یا نمادها، که هویت یک مکان را تشکیل می‌دهند (شکویی، 1375: 275).

می‌توان گفت مکاتب ویژگی‌های اعتقادی و فکری خاص خود را دارند که در سازماندهی مکانی و فضایی و آفرینش چشم‌اندازهای مکانی نقش دارد. از این‌رو، دیدگاه‌های مکاتبی همچون آرمان‌گرایی¹، فرهنگ‌گرایی²، نوگرایی³، و فرانوگرایی⁴ چشم‌اندازهای متناسب و منطبق با ایدئولوژی حاکم را می‌سازند که مسکن، شبکه‌های ارتباطی، شهرسازی از آن جمله‌اند. در مجموع چشم‌اندازهای مکانی نمودی از فرهنگ مسلط جوامع گوناگون است.

-
1. Idealism
 2. Culturealism
 3. Modernism
 4. Post-modernism

جریان مکانی و فرهنگ

«جریان»^۱ در مکان و فضا اهمیت خاصی دارد چرا که موجب رشد و توسعه فرهنگ در مکان‌ها می‌شود و نقش‌های جدیدی را به آن می‌دهد. جریان در مکان‌ها چه بسا تفاوت‌هایی از نظر میزان و فراوانی، سطح و نوع (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی)، و درجه اهمیت داشته باشد.

انسان برای رفع نیاز دست به تحرک و جابه‌جایی می‌زند. تحرک مادی^۲ میزان حرکت منابع انسانی و مادی در فضا را اندازه‌گیری می‌کند. در این مفهوم، تحرک ظاهراً عمل توسعه شبکه‌های حرکتی و آمدوشد است (محسنیان راد، ۱۳۷۴: ۵۲). مثال بارز این حرکت، مهاجرت‌های جمعیت انسانی است. در جابه‌جایی یا مهاجرت نیز فرهنگ و باورهای فرهنگی بسیار مؤثر است. در ایران مردم برای مکان‌های زیارتی حرمت ویژه‌ای قائل‌اند. بنابراین، طبیعی است که این جابه‌جایی‌ها در جهت اعتقادات و رفتارهای فرهنگی صورت می‌پذیرد. همچنین اعتقاد به «حب‌الوطن من الایمان»^۳ و عدم اعراض از وطن‌علاقه‌ی را در افراد به‌وجود می‌آورد و توجه به مکان افزایش می‌یابد.

پویایی و تکامل مکان‌ها در گرو ارتباطات و جریان‌هایی است که بتواند نقش‌های تازه‌ای به آن بدهد. ورود فناوری‌های نوین ارتباطی، جریان متقابل مکان‌ها را افزایش می‌دهد و تبدلات فرهنگی آن‌ها را تسریع می‌کند. در واقع مکان‌ها باید همچون سیستمی باز عمل کنند تا از انزوا خارج شوند. جابه‌جایی‌های اطلاعاتی، جمعیتی، اقتصادی، و نظایر آن موجب می‌شوند تا مکان‌ها گسترش یابند و از قافله توسعه عقب نمانند. توسعه مکانی ارتباطات از راه ساخت راه‌آهن و تلگراف در قرن نوزدهم سرعت مبادلات را افزود و احاطه بر مکان‌های مجاور یا حتی دورتر را مهیا ساخت. جهان آینده فضایی است ارتباطی. بنابراین، انزوای مکان‌ها، گرچه دور از ذهن به نظر می‌رسد، لیکن فرهنگ مردم است که آن را تشدید

1. Flow

2. Psychic Mobility

۳. دوست داشتن وطن بخشی از ایمان است.

یا کند می‌کند.

انسان‌ها از گذشته تاکنون با مهاجرت از مکانی به مکانی دیگر سبب گسترش و انتقال عقاید، سنت‌ها، و شیوه‌های زندگی خود بوده‌اند. این حرکت‌ها و جابه‌جایی‌ها دلایل بسیاری دارد که یکی از آن‌ها می‌تواند عوامل رانشی و کششی^۱ در مکان‌ها باشد. عواملی باعث مهاجرت فرستی و عوامل جذب یا کششی مکان موجب مهاجرت‌پذیری می‌شود (Rosengren, 2000: 174).

سکونتگاه‌های انسانی اعم از شهری و روستایی فضایی است به صورت سیستم انسانی که از دو بخش «بستر مکانی یا «مقر یا سایت» و «عامل جمعیتی» ساکن در آن، تشکیل یافته است. در این سیستم آنچه باعث پویایی شهر یا روستا می‌شود، انسان و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی اوست؛ چرا که بدون تحرک و پویایی جمعیت، جریان و تداوم حیات سکونتگاهی موجودیت خود را از دست خواهد داد. این تحرک موجب انتقال و توزیع و تخصیص منابع در سطوح مکانی می‌شود.

بنابراین، «جریان» عامل بسیار مهمی در پیوند فرهنگ و مکان‌هاست. جریان تماس و گردش و انتقال افکار، اندیشه‌ها، و خدمات (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی) است که عامل ارتباط‌دهنده مکان‌ها با همه خصوصیات انسانی، اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی است. در تسهیل این جریان‌ها و تقویت آن در یک ناحیه، عوامل زیادی نقش دارند: تبادل اطلاعات میان مکان‌ها، نقش عوامل طبیعی و جغرافیایی به مثابه عوامل «دافع و جاذب» در جابه‌جایی جمعیت‌ها با فرهنگ‌های گوناگون، سیاست‌های کارگزاران حکومتی در پویایی و تحرک بخشیدن به مکان، خارج ساختن مکان‌ها از حالت انزوا و درونگرایی، و توجه به توسعه همه‌جانبه آن. به طور مثال در مکان‌هایی که جمعیت ساکن آن به دلایل متعدد طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی با ناحیه و مکان‌های دیگر ارتباط چندانی ندارند، می‌توان گفت که پژمردگی فرهنگ را به وضوح مشاهده کرد. نواحی کوهستانی و مرتفع، مناطق دارای اقلیم

1. Pull and Push factors.

بسیار خشک و گرم، و جنگل‌های نفوذناپذیر از آن جمله است.

ارزش فرهنگی مکان

مکان‌ها آشکارا دارای ارزش‌هایی هستند که یکی از آن‌ها ارزش‌های فرهنگی است. ارزش‌ها به مکان نسبت داده می‌شوند و افراد و جامعه از چنین ویژگی‌هایی نفع می‌برند. این‌گونه ارزش‌ها را می‌توان در مکان‌های تاریخی به‌ویژه مکان‌های میراثی جستجو کرد.

الف) ارزش زیبایی‌شناسی: این ارزش نمایش‌دهنده زیبایی به معنایی بنیادین است. می‌توان رابطه مکان را با چشم‌اندازی که در آن واقع شده زیر عنوان کلی «ارزش زیبایی‌شناسی» در نظر گرفت، یعنی همه کیفیت زیست‌محیطی مربوط به مکان و محیط اطراف آن.

ب) ارزش معنوی: ارزش معنوی مکان ممکن است به حس هویت جامعه به مثابه یک کل و هویت افراد آن کمک کند. این ارزش ممکن است برای آنان حس اعتماد به نفس فرهنگی و حس ارتباط میان امر محلی و امر جهانی را فراهم کند، یعنی به تعریف مفهوم تمدن بشری و جامعه متمدن کمک کند.

ج) ارزش اجتماعی: تفسیر فرهنگ به مثابه ارزش‌ها و عقاید مشترکی که گروه‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد، نشان می‌دهد که ارزش اجتماعی مکان میراثی است در آن ثبات و انسجام اجتماعی جامعه منعکس شود.

د) ارزش تاریخی: این ارزش به شیوه‌ای بحث‌نشدنی نسبت به مکان درونی است. از میان همه مؤلفه‌ها به احتمال زیاد این ارزش بیشتر از بقیه برحسب شرایط عینی تشخیص‌دانی است. شاید منفعت اصلی ارزش تاریخی این باشد که با برقراری ارتباط با گذشته و آشکار کردن خاستگاه زمان حال به تعریف هویت کمک می‌کند.

هـ) ارزش نمادین: این ارزش حامل معنا و اطلاعاتی است که به جامعه کمک می‌کند تا هویت خود را تفسیر و بر شخصیت فرهنگی خود تأکید کند. این ارزش به مثابه بازنمای معنا برای عملکرد آموزشی مهم است، نه فقط برای جوانان بلکه برای ارتقای جایگاه دانش

و سطح درک کل جامعه.

(و ارزش اصالت: یعنی مکان به خاطر خودش با ارزش است، زیرا واقعی و منحصر به فرد است، نه جعلی. ویژگی مهم ملازم این امر عبارت است از تمامیت، که در شرایط گوناگون تعریف متفاوتی دارد. حفاظت از تمامیت مکان، هر طور تفسیر شود، می‌تواند در هنگام توجه به ارزش فرهنگی محدودیت مهمی بر تصمیم‌گیری دربارهٔ پروژه باشد (تراسبی، 1382: 14 - 13).

ابعاد مکانی فرهنگ

جغرافیای فرهنگی به توصیف و تجزیه و تحلیل نحوهٔ تفاوت و تشابه پدیده‌های فرهنگی همچون زبان، مذهب، اقتصاد از مکانی به مکان دیگر می‌پردازد. در واقع جغرافیای فرهنگی بیش از آنکه به محیط طبیعی انسان معطوف باشد، بر فرهنگ تکیه دارد. در جغرافیا فرهنگ «شیوهٔ زندگی»¹ گروهی از انسان‌ها تعریف شده است. نحوهٔ زندگی انسان‌هایی که در یک مکان جغرافیایی متمرکزند، وابسته به نظامی فرهنگی است که اشتراک‌ها و شباهت‌های عناصر آن از علل مهم در شکل‌گیری گروه‌های فرهنگی در آن مکان خاص است که در قالب «الگوهای فضایی»² به‌وجود آمده است. مفهوم الگوی فضایی به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌ها میان یک ناحیه با ناحیه دیگر اشاره دارد (جردن و راونتری، 1380: 11 - 10 , 8).

برای مطالعه و شناخت فرهنگ‌ها نیز می‌توان از مکان بهره برد. مثلاً اگر کسی قصد شناخت معماری، تاریخ، و فرهنگ دورهٔ صفویه را دارد می‌تواند به شهر اصفهان، پایتخت سلسلهٔ صفویه، مراجعه و آثار آن دوره را مطالعه کند. مکان‌ها فرهنگی را در خود نهفته دارند که برای نسل‌های آینده نمایان می‌سازند.

مطالعات جغرافیای فرهنگی شامل یک یا چند مورد از موضوعات زیر است که ارتباط مکان و فرهنگ را نشان می‌دهند. چرا که فرهنگ میانجی شایسته‌ای در مطالعاتی است که

1. Lifestyle

2. Spatial Pattern

نقطه حرکت آن مقایسه مردمان و سرزمین‌های متفاوت است.

بهره‌برداری انسان از زیست‌بوم: مطالعه بهره‌برداری انسان از محیط زیست موضوعاتی چون به‌کارگیری ابتدایی ابزارها و وسایل، اهلی کردن حیوانات و بهره‌برداری از گیاهان، فعالیت‌های اقتصادی، و استفاده گوناگون از تولیدات غذایی را دربرمی‌گیرد. توسعه و پیشرفت انسانی، و اختراع هر دو ابعاد جغرافیایی دارند که از وقایع خاصی که در مکان‌های خاص اتفاق می‌افتند تشکیل شده‌اند. توجه جغرافیدان به توزیع و آرایش فضایی پدیده‌ها و کیفیت بوم به او یاری می‌رساند در بازساخت گذشته و پیشینه بشر و فهم شرایط حال مشارکت کند.

تغییرات حاصل از فعالیت‌های انسان در سطح زمین: پیشرفت مادی انسان آثاری را بر زمینی که در آن فعالیت می‌کند، بر جای می‌گذارد. این تغییرات فیزیکی، نتیجه و محصول ناخواسته انسان در استفاده از زمین است. زراعت و برداشت بیش از توان زمین موجب فرسایش خاک می‌شود. نگهداری و چرای حیوان روی زمین و سوزاندن (پس از برداشت محصول) منجر به غنی‌سازی خاک در نزدیکی زیستگاه انسان و تغییرات گیاهی می‌شود. برخی از این تغییرات مانند از میان بردن درختان جنگل یا پلکانی کردن دامنه تپه برای کشاورزی تعمّدی هستند (اسپنسر و هیل، 1961). فعالیت‌های انسان و طبیعت از چنان بُعد زمانی و به هم پیوستگی‌ای برخوردارند که جداسدنی نیست.

شکل و نوع سکونتگاه‌ها (شهری و روستایی): قالب‌های سکونتگاهی قسمت اعظمی از ویژگی‌های چشم‌انداز انسان‌ساخت را تشکیل می‌دهند. مطالعه نوع سکونتگاه روستایی عمدتاً با نوع، ترتیب و آرایش خانه‌ها، و دیگر ساختارهای مرتبط با یکدیگر و همچنین شبکه جاده‌ها و پراکنش و ترتیب مزارع سروکار دارد.

فرهنگ غیرمادی مانند زبان و مذهب: زبان موثّق‌ترین ردیاب قومی محسوب می‌شود، زیرا انتخاب اختیاری کلمات از خزانه‌ای وسیع، تکرار تصادفی را بعید می‌سازد. به‌علاوه، زبان به مثابه ابزار و اثر گفتگو، سازنده و محصول انسجام گروهی و در نتیجه فرهنگی است. تحلیل

مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی ■ ۶۵

زبان‌ها و پراکندگی آن‌ها معمولاً وظیفه متخصص (زبان‌شناسی) است، اما از نتایج آن به طور گسترده‌ای در جغرافیا استفاده می‌شود. موضع‌نگاری (توپونیم) از اجزای سازنده زبان بسیار به جغرافیا نزدیک است.

مذهب نیز از شاخص‌های ماندگاری اقوام گوناگون نهادی اجتماعی با ساختار فضایی چشمگیر و شکل‌دهنده چشم‌انداز فرهنگی است. جغرافیا با مذهب از جهات بسیاری سروکار دارد، از توزیع مذاهب در نواحی گوناگون گرفته تا ارائه جلوه‌ای از نظم و قانون در مناظر و چشم‌اندازهای گوناگون.

منشأ و پراکندگی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها: گسترش فرهنگ به سادگی از راه خصیصه‌های فرهنگی خاص مطالعه‌شدنی است، اما اغلب مجموعه کلی خصیصه‌های فرهنگی از سوی مردمی قدرتمند و متنفذ به یکدیگر جوش خورده و به شکلی نسبتاً یکسان و منسجم در محدوده‌ای وسیع گسترش می‌یابد. ممکن است نوع زندگی یا تمدن از آغاز تا گسترش به پایگاه بزرگ‌تر پیگیری شود تا اینکه در نهایت به حدودش برسد و فرهنگ گسترده دیگری را جایگزین یا جذب کند. جغرافی‌دانان از راه‌های متعدد فرهنگ را بررسی کرده‌اند: تقسیم جهان به مناطق عمده فرهنگی، بررسی توسعه فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها، ترسیم نقشه نواحی کانونی و مرکز و پیرامونی یا حاشیه‌فرهنگ‌ها (مینینگ، 1965) و مطالعه نواحی گسسته فرهنگ به مثابه جزایر فرهنگ (Sills, 1968: 129-130).

نتیجه‌گیری

مکان و فرهنگ دائم با هم در ارتباط هستند، زیرا هر مکان بستری است برای روابط متقابل میان انسان‌ها که به نوبه خود از خاستگاه‌های فرهنگ است. مکان‌ها و چشم‌اندازهای مستقر در آن‌ها متأثر از فرهنگ جوامع در دوره‌های زمانی گوناگون هستند. شیوه نگرش و نوع فرهنگ جوامع می‌تواند در ساخت و نقش مکان‌ها مؤثر افتد و مطابق با نوع ایدئولوژی حاکم به خدمت گرفته شود. سطح توسعه مکان‌ها نیز بر اساس قدرت فرهنگ جامعه تعیین

۶۶ ■ نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم، شماره ششم

می‌شود. به عبارتی دیگر، فرهنگ قوی از نظر ویژگی‌های آن منجر به فناوری قوی‌تر می‌شود و دسترسی به فناوری نوین و قوی‌تر مکان‌هایی توسعه‌یافته می‌آفریند. با توجه به استقرار مردمان متفاوت از نظر فرهنگی، از یک سو مکان‌های متفاوت قومی، نژادی، و زبانی پدید می‌آید و از سوی دیگر، مکان‌ها نیز بر فرهنگ مردم از راه مواجهه آن‌ها با نوع منابع طبیعی، اقلیم، موقعیت، و مشخصه‌های جغرافیایی تأثیر می‌گذارد. به طوری که عوامل طبیعی و منابع موجود نوعی خاصی از اقتصاد و سازمان‌های اجتماعی را می‌سازد که به نوبه خود بر فرهنگ مردم اثر می‌گذارند. نحوه گذران معیشت، زبان، طرز پوشش و لباس، و آداب و رسوم از ویژگی‌های فرهنگی جالب‌توجه در مکان‌ها است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- ایروانی، محمدجواد، 1382. جایگاه روستا در فرایند توسعه ملی از دیدگاه صاحب‌نظران، مؤسسه توسعه روستایی ایران.
- تراسبی، دیوید، 1382. اقتصاد و فرهنگ، ترجمه کاظم فرهادی، تهران: نی.
- جردن، تری ج. و لستر راونتری، 1380. مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه سیمین تولایی و محمدسلیمانی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- حاضری، علی محمد و مصطفی مهرآئین، پاییز و زمستان 1381. «رویکردهای متفاوت در مطالعات فرهنگ با تأکید بر بعد روش‌شناختی»، نامه علوم اجتماعی، شماره 20.
- ژان کالوه، لویی، 1379. درآمدی بر زبان‌شناسی اجتماعی، ترجمه محمد پوینده، نقش جهان.
- شکویی، حسین، 1375. اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، ج اول، تهران: گیتاشناسی.
- _____، 1371. فلسفه جغرافیا، تهران: گیتاشناسی.
- فکوهی، ناصر، 1383. انسان‌شناسی شهری، تهران: نی.
- گنجی، محمدحسن، 1382. «جغرافیا علم زندگی و برنامه‌ریزی توسعه»، جغرافیا و توسعه، سال اول، شماره پیاپی 1.

۶۸ ■ نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم، شماره ششم

- محسنیان‌راد، مهدی، ۱۳۷۴. *ارتباط جمعی و توسعه روستایی*، تهران: جهاد سازندگی.

- هاگت، پیتر، ۱۳۷۳. *جغرافیا ترکیبی نو*، ج اول، تهران: سمت.

- Baldwin Elaine, 1999. *Introducing cultural studies*, Prentice Hall Europe, England, Edinburgh Gate, London.

- O'Toole, Paddy and Were, Prisca 2008, *Observing places: using space and material culture in qualitative research*, Qualitative Research, SAGE Publications.

- Pitzl, Gerald R., 2004. *Encyclopedia of human geography*, Greenwood, London.

- Rosengren, Karl E, 2000. *Communication and Introduction*, Sage Publications.

- Sills, David L, 1968. *International Encyclopedia of the Social Sciences*, Vol 6, The Macmillan Company & The Free.

